

سلام آلمان!



.... سلام! این جا استادیوم یکصد هزار نفری آزادی تهران؛ محلی که تا چن ساعت دیگه به کوره آتیشی تبدیل می‌شه که بحرینی‌ها رو ذوب می‌کنه و صدا البته انتقام رقص با پرچم سعودی‌ها از اونا گرفته می‌شه...
این جا استادیوم آزادیه. امروز هوا کمی نا قسمتی آفتابیه. همه چیز مهیای رویارویی شیرهای سفید با گربه‌های قرمز (لقبی که بحرینی‌ها خودشون به خودشون دادند).

امروز همه نگران ضد فوتبال بحرینی‌ها هستن. این جا فعلا از ترقه خبری نیست. کسی هم زیر دست و پا کشته نشده و «سردار» هم به موقعیت طلایی واسه تماشای بازی از نزدیک رو پیدا کرده (سردار دوست داریم... سردار دوست داریم!).

این جا استادیوم آزادیه تهران. چهارشنبه ۱۸ خرداد ۱۳۸۴
وای... خدای من! این خانوما از کجا پیدا شون شد؟! فکر کنیم به پنجاه تایی می‌شن. همه ورزشگاه یک صدا دارن تشویق می‌کنن (البته نه تیم ملی رو!).

یک ساعت بعد...

سید محمد خاتمی درست موقعی که سرود ملی بحرین شروع می‌شه، وارد جایگاه ویژه می‌شه که این کار باعث به وجد اومدن تماشاگرا می‌شه و سرود ملی بحرین، توی هیاهوی تماشاگرا به گوش هیشکی نمی‌رسه (چیزی که عوض داره گله ندارم!) انگار امروز همه و همه عزمشونو جزم کردند که بحرینی‌ها رو ضایع کنن؛ از رئیس جمهور گرفته تا...

چند روزی بیش تر تا نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری نمونه. یکی از کاندیداهای این دوره، از این فرصت استفاده کرده و شونه به شونه رئیس جمهور وارد جایگاه می‌شه؛ دوربین تلویزیون هم که همه رو با یه چشم نیگاه می‌کنه از نشون دادن اون ابایی نداره!

ده دقیقه از شروع بازی می‌گذره... چه می‌کنه این نصرتی... تیر دروازه به داد بحرینی‌ها رسید. آقایون کم آوردن، ولی مثل این که خانوما تازه گرم شدن و پشت سر هم می‌گن: «دایی دوست داریم... دایی دوست داریم...!!» انگار می‌خوان امروز تلافی سال‌های سال محرومیت حضور توی ورزشگاه‌ها رو در بیارن. بغل جایگاه خانوما هم بازار شوخی و خنده گرم گرمه!

نیمه دوم شروع شده... امینواریم که... حالا فرصت... گل... گل... گل... گل... چه کسی هم گل می‌زنه! چه بازیکنیه این محمد نصرتی! همه از خوشحالی همدیگه رو بغل کردن.

... و حالا سوت پایان بازی و صعود ما به جام جهانی! هورااااا... من که دیگه صدام در نمی‌یاد. باید برم به گوشه خلوت پیدا کنم و از خوشحالی، حسایی غش کنم. پس خدا حافظ هموطن و سلام آلمان...

شیپورچی



شترچیدنی به نام کارت اعتباری

میشم مصلح

به حول وقوه الهی قرار شده از این پس به تماشاگران ورزشگاه آزادی کارت اعتباری بدهند تا کلیه مشکلات اعم از مالی، معنوی، خانوادگی، مرگ و میر، ترافیک، گرانی و... در اسرع وقت حل شود. در همین ارتباط یک مقام نسبتا مسئول گفته: «الآن هفت، هشت سالی است می‌خواهند خط تولید پیکان را متوقف کنند اما دلشان نمی‌آید! مطمئن باشید هر وقت پیکان را تولید نکنند، این کارت‌های اعتباری هم به دست مردم می‌رسد! در اروپا اگر تماشاگران کارت دارند به خاطر این است که از ۸۰ سال قبل، تمام ورزشگاه‌ها صندلی‌های شماره‌دار دارد و هر تماشاگری جای خودش را می‌داند. موقع خروج از ورزشگاه هم ۴۰ هزار نفر همدیگر را هل نمی‌دهند.»

به این مقام مسئول گفتیم، مسئولان مربوط وعده داده‌اند که تا ۹ ماه دیگر صندلی‌های ورزشگاه آزادی درست می‌شود و کارت‌های اعتباری بسیار مفید خواهد بود، که وی گفت: «اگر اعتباری به مردم بدهیم باید آن‌ها را بیمه کنیم تا اگر خدای نکرده، تماشاگری مثل روز ۵ فروردین جان خود را از دست داد، دیه کامل به خانواده‌اش برسد.» اما از ما بشنوید و مطمئن باشید به هزار و یک دلیل، داستان این کارت‌های اعتباری بعد از مدتی فراموش می‌شود؛ همان‌طور که از ۶ سال قبل شعار دادند استقلال و پرسیولیس را به مردم می‌دهیم، اما بعدا پادشان رفت که مردمی هم وجود دارند!

